

بررسی چرایی عدم پذیرش یهودیت و مسیحیت

حمید کریمی*

محمود امیریان**

چکیده

در طول تاریخ پیدایش بشر بر پشت کره‌خاکی، خداوند متعال ده‌ها هزار پیامبر فرستاده است که بزرگ‌ترین آن‌ها که صاحب شریعت مستقل بوده‌اند عبارت‌اند از نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد ﷺ. از آیین نوح و ابراهیم چندان آموزه‌ای باقی نمانده، لذا نمی‌توانند آیین معتبر و قابل پیروی برای بشر- امروز باشند، اما از سه پیامبر بعدی کتاب و آیینی مستقل به‌جامانده است که باید بررسی کرد که پیروی از کدام‌یک بر من و شما لازم است. در این نوشتار با روش توصیفی-تحلیلی و استدلال عقلی و مطالعه کتابخانه‌ای بعد از معرفی اجمالی آیین یهودیت و مسیحیت، نشان داده‌ایم که برای امروز از جهت نقلی و عقلی معتبر نیستند؛ چراکه اولاً نسخه آسمانی تورات و انجیل کم و زیاد شده‌اند و قابل اعتماد نیستند، ثانیاً از اشکالات متعدد عقلی و علمی رنج می‌برند، ثالثاً اگرچه مبهم اما بشارت و ارجاع به پیامبر اسلام داده‌اند و رابعاً با آمدن قرآن و پیامبر اسلام و اثبات حقانیت پیامبر با اعجاز قرآن روشن می‌شود که تاریخ مصرف یهودیت و مسیحیت پایان پذیرفته و باید سراغ اسلام، قرآن و محمد ﷺ رفت.

واژگان کلیدی: یهودیت، مسیحیت، تورات، انجیل، کتاب مقدس، قرآن و اسلام.

*. دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران (نویسنده مسئول)، karymi@iust.ac.ir.
**. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه ملایر، m.amirian@malayeru.ac.ir.

مقدمه

تحلیل سه‌گانه تحریف، خردستیزی و بشارت‌ها در نقد متون یهودی-مسیحی از منظر الهیات اسلامی، موضوعی است که در دهه‌های اخیر توجه بسیاری از محققان و اندیشمندان مسلمان را به خود جلب کرده است. این تحلیل، با بررسی انتقادی متون مقدس یهودی و مسیحی، به دنبال یافتن نقاط ضعف و تناقضات در این متون است و تلاش می‌کند تا نشان دهد که این متون در طول تاریخ دچار تحریف شده‌اند و با عقل و منطق سازگاری ندارند. اهمیت این موضوع در زمینه وسیع‌تر الهیات تطبیقی و مطالعات بین‌ادیانی آشکار می‌شود؛ زیرا این تحلیل می‌تواند به درک بهتر تفاوت‌ها و شباهت‌های بین اسلام و سایر ادیان ابراهیمی کمک کند و زمینه‌ای را برای گفت‌وگوی سازنده بین پیروان این ادیان فراهم آورد. مفاهیم کلیدی در این تحلیل شامل مفهوم تحریف (تغییر عمدی یا غیرعمدی متن)، خردستیزی (عدم سازگاری متن با عقل و منطق) و بشارت‌ها (پیشگویی‌هایی که در متون یهودی و مسیحی درباره پیامبر اسلام ﷺ وجود دارد) است.

در زمینه تاریخی، این تحلیل ریشه در دوران صدر اسلام دارد، زمانی که مسلمانان برای اولین بار با متون یهودی و مسیحی مواجه شدند و به بررسی و نقد آن‌ها پرداختند. در طول قرون متمادی، اندیشمندان مسلمان به تدوین و توسعه این تحلیل ادامه دادند و آثار متعددی در این زمینه به نگارش درآوردند. از منظر فلسفی، این تحلیل با مباحث مربوط به معرفت‌شناسی و اعتبار منابع معرفتی مرتبط است. منتقدان متون یهودی و مسیحی استدلال می‌کنند که این متون به دلیل تحریف و خردستیزی، نمی‌توانند به‌عنوان منابع معتبر معرفتی مورد استناد قرار گیرند. پیامدهای دنیایی واقعی این تحلیل نیز قابل توجه است. این تحلیل می‌تواند به تقویت هویت اسلامی و افزایش اعتماد به نفس مسلمانان کمک کند. بعد از پذیرش این که خداوند باید برای بشر هادیانی ارسال نماید، اکنون پرسش اساسی فراروی بشر امروز این است که در بین ادیان ابراهیمی کدام مورد قبول و پذیرش است و تبعیت از آن حجت را برای بشر-تمام می‌کند. معروف‌ترین پیامبران صاحب شریعت عبارت‌اند از حضرت نوح، ابراهیم، موسی، عیسی علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله و سلم. از حضرت نوح و ابراهیم چندان اطلاع و آموزه‌ای در دست نیست؛ بنابراین وقتی مجموعه اطلاعات و تعالیم آسمانی ایشان تاکنون سالم مانده است، این خود بهترین دلیل است که آنان فرستاده مخصوص الهی



برای نسل حاضر نیستند. بعد از ایشان بزرگ‌ترین پیامبران مطرح که نسبتاً مطالب زیادی از ایشان باقی مانده است، حضرت موسی و عیسی، هستند که باید به بررسی آیین آنها پرداخته شود. از آنجا که متن اصلی دین یهودیت و مسیحیت کتاب مقدس است، لذا توضیح مختصری درباره کتاب مقدس داده می‌شود.

کتاب مقدس دو بخش دارد:

۱. عهد عتیق: در پیمان کهن نجات از طریق وعده و وعید و قانون و شریعت به دست می‌آید (مانند پیامبران قبل از مسیح).
 ۲. عهد جدید: در پیمان نو که توسط خدای متجلی (عیسی مسیح) انجام گرفته، نجات از طریق محبت حاصل می‌شود. خدای پسر به شکل انسان مجسم شده و گناهان بشر را به خود می‌گیرد و با تحمل رنج صلیب کفاره گناهان می‌گردد.
- مسیحیان عهد عتیق را احترام می‌کنند و در کتاب مقدس می‌آورند، اما یهودیان عهد جدید را انکار می‌کنند و قسمت مورد اعتقاد خود را عهد می‌نامند.

توضیح مختصری درباره یهودیت

نژاد یهودیان

یهودیان از نژاد عبرانی هستند. این نژاد با اعراب، آشوریان و چند قوم دیگر خاورمیانه، اصلی مشترک دارد. از پیشینه تاریخی قوم عبرانی اطلاع دقیقی در دست نیست. برخی از دانشمندان معتقدند نام «عبرانی» را کنعانیان پس از ورود حضرت ابراهیم به سرزمین کنعان به او داده‌اند؛ زیرا عبرانی از ماده «ع ب ر» به معنای گذر کردن از نهر می‌آید و او با عبور از رود فرات وارد کنعان شد (توفیقی، ۱۳۷۶، ص ۷۲). براساس آنچه در تورات آمده است، خداوند با ابراهیم عهد بست که از نیل تا فرات را به فرزندان او که از اسحاق پدید می‌آیند، عطا کند (پیدایش ۱۵: ۱۹ و ۱۷: ۱۹-۲۱).

به گفته تورات، حضرت اسحاق جانشین ابراهیم خلیل شد و دو فرزند توأم برای او به دنیا آمد. یکی از آن دو را عیسو و دیگری را یعقوب نامیدند. یعقوب یعنی «تعقیب‌کننده»؛ زیرا هنگام تولد، کودک قبلی را تعقیب کرد و پس از او به دنیا آمد (سفر پیدایش، ۲۵: ۲۲، ۲۴، ۲۶-۲۸).

حضرت یعقوب به اسرائیل ملقب بود. اهل کتاب، این اسم مرکب را چنین معنا می‌کنند: «کسی که بر خدا مظفر شد»، اما اصل معنای آن در عبری چنین است: «کسی که بر قهرمان پیروز شد». به گفته تورات، گشتی گرفتن حضرت یعقوب با خداوند که به پیروزی او بر خدا انجامید، علت ملقب شدن وی به اسرائیل است (سفر پیدایش، ۳۲: ۲۴).

حضرت موسی و ده فرمان

موسی پیامبری بود الهی که بنی‌اسرائیل را از ستم‌های فرعون رهانید و آنان را به یکتاپرستی فراخواند. در قرآن کریم و تورات، حکایات کم‌وبیش مشابهی درباره چگونگی راهیابی موسی به دربار فرعون و نیز معجزاتی که برای نجات بنی‌اسرائیل به کار گرفت، به چشم می‌خورد. به گفته تورات پس از خروج بنی‌اسرائیل از مصر، موسی ده فرمان مهم را که خداوند در طور سینا بدو داده بود، سرلوحه دعوت خود قرارداد:

۱. برای خود خدایی جز من نگیرید، ۲. به بت سجده نکنید، ۳. نام خدا را به باطل نبرید، ۴. شنبه را گرامی بدارید، ۵. پدر و مادر را احترام کنید، ۶. مرتکب قتل نشوید، ۷. زنا نکنید، ۸. دزدی نکنید، ۹. بر همسایه شهادت دروغ ندهید و ۱۰. به اموال و ناموس همسایه طمع نورزید (خروج، ۲۰: ۱ به بعد و تثنیه ۵: ۶ به بعد).

تَنخ یا عهد عتیق، کتاب آسمانی یهودیت

یهودیان کتاب آسمانی خود را «تنخ» می‌نامند که همان عهد عتیق مسیحیان است. این کتاب به زبان عبری و اندکی از آن به زبان کلدانی نوشته شده است. این دو زبان مانند عربی از زبان‌های سامی به‌شمار می‌روند. همچنین نسخه‌ای از عهد عتیق به زبان یونانی وجود دارد که از روی نسخه عبری ترجمه شده و آن را ترجمه سبعینیه نامیده‌اند. این نسخه مشتمل بر قسمت‌هایی است که در نسخه عبری موجود یافت نمی‌شود. در قرن اول میلادی، دانشمندان یهود از میان نوشته‌های دینی فراوانی که در آن روزگار رواج داشت، بر ۳۹ کتاب که به زبان عبری بود، اتفاق کردند و کتاب‌هایی را که به زبان یونانی نوشته شده بود، کنار نهادند. این کتاب‌ها بعدها آپوکریفا (Apocrypha؛ پوشیده) نامیده شد (دائرةالمعارف کتاب مقدس، ص ۲۷۳ و کتاب‌هایی از عهد عتیق، کتاب‌های قانونی ثانی، براساس کتاب مقدس اورشلیم، ۱۳۸۰، ص ۷۶۸). یهودیان تنها در سال ۴۷۵ قبل از میلاد موفق شدند که

تحت ریاست عَزیر اقدام به جمع‌آوری و تدوین عهد عتیق نمایند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۰۹)؛ یعنی فاصله نابودی تورات و زمان تدوین مجدد آن ۱۱۱ سال است. طبیعی است که بسیاری از مطالب عهد عتیق در مرور این سال‌ها فراموش شده و بسیاری از مطالب که عمدتاً متأثر از محیط بت‌پرستی بابل و عقاید مشرکانه ایران آن زمان بوده است، در تدوین مجدد عهد عتیق جا باز کند (توفیقی، ۱۳۷۹، صص ۹۱-۹۲).

تَنخ یا عهد عتیق ۳۹ کتاب دارد و دارای سه بخش است:

الف: تاریخ بنی‌اسرائیل تا چند قرن قبل از میلاد شامل ۱۷ کتاب که پنج کتاب آن معروف به تورات است:

۱. سفر پیدایش (آفرینش جهان و داستان‌های حضرت آدم، نوح، ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب و یوسف)؛

۲. سفر خروج (تولد و بعثت حضرت موسی، خروج بنی‌اسرائیل از مصر- به سینا و احکام)؛

۳. سفر لاویان (احکام کاهنان، یعنی روحانیون یهودی که از نسل هارون و از خاندان لاوی هستند)؛

۴. سفر اعداد (آمار بنی‌اسرائیل در عصر حضرت موسی، شریعت و تاریخ آنان)؛

۵. سفر تثنیه (تکرار احکامی که در اسفار پیشین آمده است و تاریخ بنی‌اسرائیل تا رحلت حضرت موسی)؛

ب: حکمت، مناجات و شعر شامل پنج کتاب؛

ج: پیش‌گویی‌های انبیا شامل ۱۷ کتاب.

به عقیده یهودیان و مسیحیان مؤلف اسفار پنج‌گانه تورات حضرت موسی علیه السلام است و عباراتی منسوب به وحی در چهار سفر اخیر وجود دارد.

تلمود (تورات شفاهی)

کلمه «تلمود» به معنای آموزش است و با واژه «تلمیذ» و مشتقات آن در زبان عربی پیوند دارد. تلمود به کتابی بسیار بزرگ اطلاق می‌شود که احادیث و احکام یهود را دربرداشته و در واقع تفسیر و تأویل تورات است و گاه آن را «تورات شفاهی» می‌نامند.

بسیاری از مطالب تلمود، در کتب اسلامی پراکنده شده و برخی از مسلمانان با سطحی‌نگری آن‌ها را پذیرفته‌اند. اندیشمندان مسلمان این‌گونه روایات را اسرائیلیات می‌نامند. ناگفته نماند مطالب صحیحی نیز در تلمود یافت می‌شود که با آیات و روایات صحیح اسلامی مطابقت دارد.

تلمود به‌عنوان دائرةالمعارف یهودیت، محافظت از این آیین را برعهده داشته و منبع قوانین فقه یهود بوده است. مسیحیان به علت بدگویی از حضرت عیسی همواره با آن مخالف بوده‌اند.

تلمود به برخی از زبان‌های اروپایی ترجمه و منتشر شده و ترجمه انگلیسی آن در هجده جلد بزرگ به چاپ رسیده است. خلاصه‌ای از آن کتاب نیز به زبان فارسی به نام گنجینه‌ای از تلمود انتشار یافته است.

اعتقادات

اندیشمند بزرگ یهودی، موسی‌بن‌میمون (۱۲۰۴-۱۱۳۵م) به آیین یهود لباسی نو پوشاند. او کل شریعت و الاهیات یهودی را به طریق نظاممند و عمیقاً فلسفی بازسازی کرد (نیوزنر، ۱۳۸۹، ص ۱۰۸) و سیزده اصل برای آن ترتیب داد. هفت اصل نخست به خدا و صفات او اشاره دارند: خداوند وجود دارد، یگانه است، غیرمادی است، فراتر از زمان است، حکیم است، عادل است و از راه عبادت می‌توان به او تقرب یافت. عناوین شش اصل دیگر چنین است: وقوع نبوت، برتری حضرت موسی، آسمانی‌بودن تورات، جایزنبودن نسخ احکام، آمدن مسیح‌ای موعود و قیامت و جاودانگی نفس.

یهودیت از آغاز بر توحید استوار شده است. اسم خاص خدا در دین یهود، **یهوه** (باشنده یا موجود) است. این نام بسیار احترام دارد و بر زبان آوردن آن حتی از طریق قرائت تورات حرام است. در اثر این تحریم، کسی تلفظ حقیقی این اسم را نمی‌داند.

یهودیان به نبوت نیز معتقدند و درباره آن بحث‌های کلامی گسترده‌ای دارند. آنان بر این باورند که وحی از حدود چهار قرن پیش از میلاد قطع شده و پس از ظهور موعود، دوباره برقرار خواهد شد.

در هیچ جای کتاب مقدس یهودیان سخنی از معاد نیامده است. از نظر تورات، دینداری

در جلب نعمت‌های این جهان و بی‌دینی در سلب آن‌ها تأثیر مستقیمی دارد. این در حالی است که تلمود، از معاد بسیار سخن گفته است. فرقه منقرض شده صدوقیان که سنت شفاهی (تلمود) را قبول نداشتند، منکر قیامت بودند (شلی، ۱۹۹۷م، ص ۲۳۱)، اما فریسیان به قیامت و وجود بهشت و جهنم باور دارند (توفیقی، ۱۳۷۹، ص ۹۵).

یهودیان کسی را به دین خود دعوت نمی‌کنند؛ زیرا این دین را مخصوص نژاد بنی‌اسرائیل می‌دانند. با این همه، اگر کسی بخواهد یهودی شود، او را می‌پذیرند.

احکام

یهودیان احکام فراوان و بسیار پیچیده‌ای دارند که به اموری چون نجاست و پاکی و غذاهای حلال و حرام می‌پردازد. برای مثال، در یهودیت خوردن گوشت همراه با لبنیات حرام است. این احکام نیز در شمار واجبات دین یهود است: شستن دست‌ها طبق آیین شرع برای خوردن نان و چند غذای دیگر، شستن دو بند از انگشتان بعد از غذا، شستن دست‌ها تا مچ به‌عنوان وضو پس از برخاستن از خواب و برای عبادت و نیز بستن بازوبند و پیشانی‌بندی برای نماز صبح که در آن آیاتی از تورات نوشته شده است (تثنیه، ۱۴: ۱-۱۸).

انتظار ظهور مسیحا

یهودیان همواره در انتظار یک رهبر الهی فاتح بوده‌اند که اقتدار و شکوه قوم خدا را به عصر درخشان داود و سلیمان بازگرداند. شخصیت مورد انتظار، ماشیح (مسیح، مسح شده) خوانده می‌شود. ماشیح لقب پادشاهان قدیم بنی‌اسرائیل بود؛ زیرا پیامبران با مالیدن اندکی روغن بر سر آن‌ها، بدانان تقدس می‌بخشیدند. این لقب بعدها به پادشاه آرمانی و موعود یهود اختصاص یافت (قزوینی یزدی، ۱۳۹۹، ص ۲۶۸ و ابراهام کهن، ۱۳۸۲، ص ۲۵۷).

مدعیان مسیحایی

از قرون آغازین یهودیت تاکنون، صدها تن ادعای مسیح بودن کرده و چند صباحی ساده‌دلانی را مجذوب خود ساخته‌اند. در عصر حاضر نیز جمعی از مریدان حکیم و عارف یهودی، مناخیم میندل اشنیرسون (۱۹۰۲-۱۹۹۴ م) بر این گمان بودند که وی همان مسیحای موعود است و روزی قیام خواهد کرد، تا این‌که مرگ او خاطر آن مریدان را بسیار پریشان و آشفته کرد. گفتنی است یهودیان، حضرت عیسی را یکی از این مدعیان دروغین می‌شمارند.

گزارش تورات درباره وفات موسی

در تورات کنونی - که یهودیان مؤلف آن را خود حضرت موسی می‌دانند - گزارشی درباره وفات آن پیامبر الهی نیز آمده است: پس موسی بنده خداوند در آنجا به زمین موآب برحسب قول خداوند مرد و او را در زمین موآب مقابل بیت فعور در دره دفن کردند و احدی قبر او را تا امروز ندانسته است و موسی چون وفات یافت صدوبیست سال داشت و نه چشمش تار و نه قوتش کم شده بود و بنی اسرائیل برای موسی در عربان سی روز ماتم گرفتند؛ سپس روزهای ماتم و نوحه‌گری برای موسی سپری گشت (تثنیه، ۳۴: ۵-۸).

توضیح مختصری درباره مسیحیت

مسیحیان عبارت‌اند از پیروان حضرت عیسی علیه السلام که اکنون قریب یک‌سوم جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند.

عهد جدید به زبان یونانی است. چهار انجیل (بشارت) متی، مرقس، لوقا و یوحنا در اول عهد جدید است. پرفروش‌ترین کتاب دنیا Bible است و بیش از صد ترجمه انگلیسی دارد، به سه هزار زبان و گویش ترجمه شده است و انجمن کتاب مقدس در سال ۱۸۰۴م در لندن برای انتشار آن تأسیس شد.

عیسی به نقل متی و لوقا در بیت‌لحم زاده شد (انجیل متی، ۲: ۱ و لوقا، ۲: ۴-۷). به گفته اناجیل، عیسی علیه السلام تقریباً در سی سالگی رسالت خود را آغاز کرد. بسیاری از کسانی که به آن حضرت ایمان می‌آوردند، یقین داشتند که وی به زودی پادشاه یک «آرمان‌شهر خدایی» خواهد شد. اما حضرت عیسی علیه السلام نتوانست حکومت الهی مورد انتظار بنی‌اسرائیل را بنیان نهد. بر این اساس یاران او گفتند: اولاً وی آمده بود تا قربانی گناهان بشر- شود و دوم این‌که به‌زودی برای واپسین داوری رجعت خواهد کرد. ازسوی دیگر، یهودیان همین مسئله را گواهی دانستند بر این‌که وی نه مسیحی موعود، بلکه یکی از مدعیان دروغین مسیحایی بوده است.

از آنجا که بزرگان یهود تعالیم عیسی علیه السلام را تهدیدی برای منافع خود می‌دانستند، برای کشتن او توطئه کردند. یکی از دوازده شاگرد برگزیده وی - به نام یهودای اسخریوطی - در مقابل پولی که از رؤسای یهود گرفته بود، به او خیانت کرد و او را به مأموران سپرد (متی،

۲۶: ۱۶-۱۴). طبق تعالیم انجیل، عیسی به صلیب آویخته شد و پس از مردن دفن شد، اما پس از سه روز از میان مردگان برخاست (متی، ۲۷: ۱-۹). وی مدت چهار روز گاه برای شاگردان خود ظاهر می‌شد و سرانجام به آسمان رفت.

پنجاه روز پس از حادثه صلیب، عید گلریزان (پنجاهه، پنطیکاست) فرارسید. در آن روز، روح القدس در رسولان (شاگردان حضرت عیسی) حلول کرد و پس از ایشان جماعتی پدید آورد که در طی قرون و اعصار، رسالت عیسی را بر دوش کشیدند (توفیقی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۳).

انجیل و عهد جدید

کتاب انجیلی که بر حضرت مسیح علیه السلام نازل شده یک نوع بیشتر نبوده و پس از عروج حضرت مسیح علیه السلام این انجیل مفقود شده و بعد از مفقود شدن آن، برخی از مسیحیان متونی را با مطالب مختلف گرد آورده و اسم آن‌ها را انجیل گذاشته‌اند. امام رضا علیه السلام این واقعیت را به جاثلیق مسیحی گوشزد کرد و فرمود هنگامی که نصاری انجیل را گم کردند به درخواست مردم، علمای آنان مثل مرقس، لوقا و دیگران هرکدام انجیلی نوشتند و به مردم عرضه کردند (صدوق، بی‌تا، ص ۳۲۵).

اما مسیحیان معتقدند که حضرت عیسی علیه السلام اصلاً کتابی به نام انجیل نیاورده و به گفته خود مسیحیان تا سال ۶۰ میلادی انجیل مکتوبی وجود نداشته و تا این زمان سخنان و کارهای عیسی علیه السلام به صورت شفاهی نقل می‌شد و به تدریج نوشته‌ها و یادداشت‌هایی به وجود آمده و نخستین کتاب‌های مقدس بین سال‌های ۱۵۰-۲۰۰ میلادی آماده شد و پس از چند قرن کلیسا به طور رسمی روشن ساخت که چه کتابی را باید مقدس شمرد (میشل، ۱۳۹۶، ص ۱۵۸).

عهد جدید ۲۷ کتاب دارد و دارای چهار بخش است:

۱. زندگی‌نامه و سخنان حضرت عیسی علیه السلام (چهار انجیل معروف متی، مرقس، لوقا و یوحنا)؛
۲. زندگی‌نامه و سخنان مبلغان صدر مسیحیت (یک کتاب نوشته لوقا به نام اعمال رسولان)؛
۳. نامه رسولان (۲۱ نامه)؛

۴. رؤیا در مورد آینده مسیح (یک کتاب به نام مکاشفه یوحنا ی رسول).
 نام انجیل حضرت عیسی (علیه السلام) را به غلط بر کل این کتاب‌ها گذاشته‌اند. از دیدگاه مسیحیان متی و یوحنا، حواری هستند و مرقس و لوقا، حواری حواری هستند.

چهار انجیل

۱. **انجیل مرقس**: مرقس شاگرد برنابا بوده و با پولس نیز تماس داشته؛ زیرا پولس او را یکی از مصاحبان خود یاد کرده است. مرقس حواری نبوده، اما انجیل خود را تحت تأثیر و توجه پطرس تصنیف کرده و بعد از وفات پولس و پطرس آن را منتشر کرد و ظاهراً انجیل خود را برای قبایل نوشته است (هاکس، ۱۳۸۳، ص ۷۹۲).

۲. **انجیل متی**: در قاموس کتاب مقدس آمده که «متی» از شاگردان حضرت مسیح بوده است و برخلاف جان بایرناس انجیل او را اولین انجیل می‌داند که نوشته شده است؛ لکن در عین حال می‌گوید که زمان نوشتن انجیل متی معلوم نیست؛ هر چند برخی گفته‌اند که در سال ۳۸ م و یا در بین سال‌های ۵۰-۶۰ م تصنیف شده است (هاکس، ۱۳۸۳، ص ۷۸۲).

محققین مسیحی می‌گویند اصل انجیل متی به زبان عبرانی بوده و سپس به یونانی ترجمه شده است، اما نسخه اصلی عبرانی مفقود شده و مترجم آن به زبان یونانی نیز ناشناخته است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ق، ج ۳، ص ۳۱۱).

جان بایرناس زمان نوشته شدن آن را بعد از انجیل مرقس می‌داند و روی این جهت است که می‌گوید انجیل متی و انجیل لوقا در مسئله الوهیت و ازلیت عیسی (علیه السلام) بالاتر از انجیل مرقس هستند و زمینه را برای اعتقاد به تجسم ربوبیت در پیکر عیسی (علیه السلام) آماده کرده است (بایرناس، ۱۳۷۳، ص ۶۲۴).

۳. **انجیل لوقا**: لوقا حواری نبوده و حتی حضرت مسیح را هم ندیده است. او نصرانیت را از پولس تلقی کرده است که پولس یک یهودی متعصب بوده و مسیحیان مؤمن را مورد آزار و اذیت خود قرار می‌داد (طباطبایی، ۱۴۷۱، ق، ج ۳، ص ۳۱۲). لوقا از شاگردان پولس و طبیب محبوب و مصاحب او در اکثر سفرهایش بوده است. لوقا به هدایت پولس انجیل خود را برای «تیوفلس» یکی از اشراف و اعیان روم نوشته است (هاکس، ۱۳۸۳، ص ۷۷۲).

۴. **انجیل یوحنا**: بیشتر نصاری بر این باورند که نویسنده انجیل یوحنا، یوحنا پسر-زبیدی



است که یکی از حواریون بوده است و می‌گویند چون شیرینطوس و آیسون و اطرافیان او اعتقاد به الوهیت مسیح نداشتند و او را انسان می‌دانستند، اسقف‌های آسیا و سایر مناطق در سال ۹۶ م نزد یوحنا جمع شدند و از او خواستند کتابی بنویسد که لاهوت بودن مسیح را بیان کند که دیگران در اناجیل خود آن را ننوشته‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۳۱۳). حواریون و مبلغان مسیحیت در قرن اول میلادی رسول نامیده می‌شدند؛ حواری به زبان حبشی یعنی رسول، سفیدجامه، بشارت‌دهنده. کلیسا به معنای مجمع یا انجمن شهروندان است. بالاترین رسول، شمعون بن یونا، صخره، کیفا، پطرس یا صفا است. پاپ یا پدر، خود را جانشین پطرس می‌داند.

رسول دیگر پولس است که به نظر آنان معمار مسیحیت و در حقیقت مخرب مسیحیت است. پولس آن‌گونه که در اعمال رسولان آمده است در ابتدا یک یهودی متعصب و دشمن سرسخت و نترس مسیحیان بود و آنان را تا سرحد مرگ آزار می‌داده است (اعمال رسولان، ۲۲: ۴). به گفته خود مسیحیان او هرگز حضرت عیسی علیه السلام را ندیده و با هیچ یکی از حواریانی که نزدیک‌ترین افراد به حضرت مسیح علیه السلام بودند آشنا نشده بود. او با توجه به این‌که در رأس دژخیمان یهودی قرار داشت در مراسم سنگسار «استیفان» که از پیروان راستین مسیح علیه السلام بود حضور داشته و در همین زمان مسئول شکنجه جامعه مسیحیت بوده و کلیساها را ویران کرده و گستاخانه وارد خانه‌های مردم شده و زنان و مردان را بیرون کشیده و به زندان می‌برد (اعمال رسولان، ۸: ۱). وی مسائلی چون الوهیت عیسی علیه السلام و فدا شدن او در راه گناهان و الغای شریعت را از عقاید مشرکان اقتباس کرده و به مسیحیت افزوده است. البته این نکته عقیده محققان و پیشوایان ماست.

کتاب اعمال رسولان پیرامون سیره رسولان است. باب ۱-۸ قبل از مسیحی شدن پولس و ۹-۲۸ بعد از مسیحیت وی است. در هشت باب اول عیسی بنده خدا و پسر-انسان است. در کلمات حضرت، هشتادبار عنوان پسر انسان آمده است، اما مسیحیان به‌کار نمی‌برند. عنوان پسر خدا نیامده فقط یک‌جا آن هم در نسخ جدید و محرّف آمده است، اما در بیست باب بعدی عنوان پسر خدا زیاد آمده است. «بی‌درنگ در کنایس به عیسی موعظه کرد که او پسر خداست» (اعمال رسولان، ۹: ۲۰).

واژه خدا در تورات و انجیل محدود به حق تعالی نیست و در معانی دیگر هم به کار برده شده است. خداوند، یا رب و یا Lord، اعم از خالق و مخلوق است و معنای آن مالک و مولا است.

لقب پسر خدا بر انبیا و مؤمنین در ادیان گوناگون اطلاق شده است. یهود و نصاری می‌گفتند: ما ابنا خدا هستیم. گاندی به نجس‌ها می‌گفت فرزندان خدا، اما اسلام عنوان پسر-خدا را تحریم کرده است.

در عهد جدید نصی که بر تثلیث دلالت کند وجود ندارد. توماس آکویناس می‌گوید: «رمز این که خدا یکی است و درعین حال سه تاست، کسی نمی‌داند».

تثلیث در مسیحیت

بعضی مغرضین در رساله اول یوحنا (باب ۷، ۵ و ۸) دست بردند و متنی را مبنی بر وحدت پدر، کلمه و پسر افزودند. فقدان نص و اجمال آن موجب شد عنوان پسر-خدا را توسعه دهند و معنای حقیقی بدهند. در قرن چهارم میلادی آریوس مخالفت کرد و بعد سیصد اسقف به دعوت اولین قیصر مسیحی در مجمعی به نام شورای نیقیه در شهر نیقیه جمع شدند و در سال ۳۲۵ م الوهیت مسیح را تصویب کردند (قانون نیقاوی یا ایمان). محققین غربی می‌گویند: «اعتقادات کنونی مسیحیت مثل تثلیث از مشرکان هند و چین و خورشیدپرستان ایران و... گرفته شده است».

اعتقاد بر این است که تثلیث در میان مسیحیان به‌طور رسمی برای اولین بار در شورای نیقیه در سال ۳۲۵ م اعلام شده است، اما در برخی از نقل‌های این اعتقادنامه که در این شورا به تصویب مسیحیان رسید، آموزه تثلیث به‌وضوح دیده نمی‌شود و بیشتر بر الوهیت مسیح و تولد او از مریم و روح‌القدس تأکید دارد. ممکن است در برخی از نقل‌ها اشتباهاً اعتقادنامه رسولان به‌عنوان اعتقادنامه نیقیه تلقی شده باشد. این اعتقادنامه در برخی منابع با جملات زیر نقل شده است:

«من عقیده دارم به پدر قادر مطلق، و به عیسی مسیح تنها پسرش، خداوند ما، که از روح‌القدس و مریم باکره متولد شد، و در حکومت پنطیوس پیلاطس مصلوب گردید و دفن شد، و در روز سوم از مردگان برخاست و به‌دست راست خدا نشست و از آنجا می‌آید تا



زندگان و مردگان را داوری کند و به روح القدس، کلیسای مقدس، کفار گناهان، رستاخیز جسم، حیات جاوید» (پیترز، ۱۳۸۴، ج ۲، صص ۴۶۳-۴۶۴).

در این اعتقادنامه آن طوری که ملاحظه می‌شود اثری از تثلیث وجود ندارد و اعتقاد به کلیسا، بخشش گناهان، رستاخیز و امثال این‌ها لازم دانسته شده و اعتقاد به روح القدس هم در کنار آن‌ها قرار داده شده است و در آن گفته نشده است که روح القدس هم مانند مسیح در کنار خداوند، خدای دیگری است و هر سه با هم برابرند و یک خدا را تشکیل می‌دهند. درحالی‌که تثلیثی که مسیحیان به آن اعتقاد دارند و منکر آن را کافر می‌دانند عبارت است از این‌که خداوند درعین حال که یکی است، در سه حقیقت پدر، پسر- و روح القدس موجود است (والوورد، بی تا، صص ۲-۳).

در اعتقادنامه نیکیه که در شورای کالسدون^۱ به سال ۴۵۱ م تأیید شده است عبارتی درج شده که صریحاً بر تثلیث دلالت دارد و ما در اینجا فرازهایی از آن را می‌آوریم:

«ما ایمان داریم به خدای واحد، پدر قادر مطلق، خالق آسمان و زمین و همه چیزهای مرئی و غیرمرئی و به خداوند واحد، عیسی مسیح پسر- یگانه خدا، مولود از پدر، پیش از همه زمان‌ها، نور از نور، خدای حقیقی از خدای حقیقی، که مولود است نه مخلوق، هم ذات با پدر و به وسیله او همه چیز وجود یافت... و (ایمان داریم). به روح القدس، خداوند حیات بخشی که از پدر صادر می‌شود و با پدر و پسر- عبادت می‌شوند و جلال... (اسناد شورای نیکیه)» (پیترز، ۱۳۸۴، ج ۲، صص ۴۶۴).

در این اعتقادنامه آنجا که می‌گوید ما ایمان داریم به روح القدس که خداوند و بخشنده حیات است، دلالت صریح بر الوهیت او در کنار خدا و مسیح دارد. به نظر می‌آید فقراتی که تثلیث را می‌رسانند بعدها در این اعتقادنامه اضافه شده باشد و از محصولات اعتقادنامه نیکیه نباشد، به دلیل این‌که «مک کرانث» می‌گوید موضوع همسانی پدر و پسر- در ضمن مباحثات مسیح‌شناسانه‌ای که به شورای نیکیه انجامید، تثبیت شد، اما الوهیت روح القدس

۱. شورایی که برای رفع اختلافات مسیحیان بر سر ماهیت عیسی مسیح (علیه السلام) در سال ۴۵۱ م در شهر کالسدون آسیای صغیر تشکیل شد در راستای تأیید عقیده کلیسای کاتولیک اعتقادنامه‌ای مورد تصویب قرار گرفت که به اعتقادنامه کالسدون معروف است (تاریخ جامع ادیان، ۱۳۷۳، صص ۶۳۶).

پس از این به‌ویژه در آثار آتاناسیوس و باسل اهل قیصریه تثبیت شد (مک کراث، ۱۳۸۴، ص ۶۱).

طبق نظر ائمه علیهم‌السلام و عالمان و محققان غربی مسلم است که اعتقادات کنونی مسیحیان محصول کار پولس است، که مشرک و رومی بوده است و بر رسولان حتی پطرس که صخره مسیحیت بود حمله می‌کرد «اما چون پطرس به انطاکیه آمد او را روبرو مخالفت نمودم زیرا که مستوجب ملامت بود» (غلاطیان، ۲: ۱۱). وی متوفی ۶۷ م است. در روایات اسلامی او را قرین نمرود و فرعون دانسته‌اند. پولس در آغاز یک یهودی متعصب بود که مسیحیان را آزار می‌داد، اما پس از چندی ادعا کرد زمانی که برای دستگیری برخی از مسیحیان از شهر قدس به دمشق می‌رفته، حضرت عیسی بر او جلوه کرده و به او دستور داده تا مسیحی شود. پولس از آن به بعد ادعای رسالت حضرت را داشت و به مناطق مختلف سفر کرد و مسیحیت را به اطراف مدیترانه گسترش داد. از ایشان رساله‌هایی به‌سوی تازه مسیحیان، باقی مانده که در عهد جدید آمده است.

اناجیل اربعه سیره حضرت مسیح‌اند و گفته می‌شود تألیف قرن اول هستند و از آن به بعد متواترند. اناجیل هم‌نوا زودتر نوشته شده‌اند؛ یعنی بین سال ۳۸ تا ۸۰ م و انجیل یوحنا قریب سال صد میلادی. سه انجیل اول سالم‌تر هستند و غلو ندارند، اما در انجیل یوحنا غلو زیاد است و عیسی را در یک مورد خدا خوانده است؛ درحالی‌که در اناجیل اربعه بارها حضرت عیسی تعبیر «خدای من» را به‌کار برده است.

به اعتقاد مسیحیان اولین انجیل مرقس بوده است و بعد متی و لوقا براساس آن نوشته شده است. پولس در جایی می‌گوید عیسی با خدا برابر بود و در جایی می‌گوید نخست زاده تمامی آفریدگان.

فرقه‌های موحد مسیحی یا یونیتارین در سراسر جهان اکنون نیز هستند از جمله فرقه «گواهان یهوه». از نظر مسیحیان، خدا مؤلف نهایی کتاب مقدس است، جز این‌که این عمل را از طریق مؤلفان بشری که کارگزاران وی بوده‌اند به انجام رسانیده است. براساس دیدگاه مسیحیت، حضرت عیسی علیه‌السلام کتاب آسمانی نداشت، بلکه خود، تجسم وحی الهی و عین پیام خدا بود، و انجیل و سایر کتب عهد جدید، نوشته حضرت عیسی یا املائی او نیست،



بلکه نوشته‌های حواریون و مسیحیان نخستین است. به نظر ایشان این نوشته‌ها حاصل الهامات و هدایت ویژه روح القدس و نتیجه توافقی و اجماع مسیحیان صدر اول در پذیرش ۲۷ کتاب موجود است؛ اما بر این مدعا دلیلی اقامه نکرده‌اند و این دو امر خود براساس کتاب مقدس است و لذا دور پدید می‌آید. ازسوی دیگر مطالب خلاف عقل، خلاف ادیان دیگر و... دال بر تحریف آن است.

اناجیل هم‌نوا (متی، مرقس و لوقا) عیسی را پیامبری مانند دیگر پیامبران می‌دانند (برخلاف انجیل یوحنا که مسیح خدایی را ترویج می‌کند).

انجیل برنابا

انجیل برنابا در قرن هجده میلادی در اروپا کشف شد. برنابا حواری مسیح بود. نام او مکرر در انجیل معروف و کنونی آمده است. سال ۱۷۰۹ م یک مستشار این کتاب را از کتابخانه‌ای در آمستردام امانت می‌گیرد. اینک این کتاب در کتابخانه سلطنتی وین نگهداری می‌شود. علاوه بر نسخه بالا که ایتالیایی بوده، نسخه‌ای نیز در اوایل قرن هجده میلادی در اسپانیا کشف شد. در سال ۱۹۰۷ م ترجمه انگلیسی آن در اروپا منتشر شد و سپس جمع‌آوری و ناپدید شد. سال ۱۹۷۳ م در کراچی پاکستان براساس نسخه موزه بریتانیا و کنگره آمریکا، تجدید چاپ شد.

این انجیل در قرن نهم میلادی توسط یکی از اسقف‌ها و در قرن دوازدهم میلادی توسط پاپ گلاسیوس دوم تحریم شد و این حاکی از رواج آن است. این انجیل را دکتر خلیل سعاده به عربی ترجمه کرد و در مصر چاپ شد و در سال ۱۹۰۸ م یا ۱۳۲۶ ق حیدرقلی‌خان یا سردار کابلی آن را به فارسی ترجمه کرد و در سال ۱۳۵۰ ق یا ۱۳۱۱ ش در کرمانشاه چاپ شد.

انجیل برنابا، شایعه مرگ عیسی را رد می‌کند، پسر خدا بودن را رد می‌کند، تثلیث را رد می‌کند، عیسی به‌عنوان پیامبر معرفی می‌شود، پیوسته بشارت پیامبر اسلام را می‌دهد (۱۵ بار اسم محمد ﷺ تکرار شده است)، شرط ورود به بهشت را ایمان به پیامبر اسلام می‌داند، شخصیت پیامبر ﷺ را تعظیم می‌کند، بر ختنه تأکید می‌شود، یک‌سری مباحث کلامی-عقلی را مانند عدم ترکیب خدا (فصل ۱۶۱)، معاد جسمانی (فصل ۱۷۳)، قضا و قدر (فصل ۱۶۳) و

مباحث اخلاقی ذکر می‌کند و می‌گوید مصلوب واقعی یهودای اسخریوطی خائن است. در سال ۳۶۴ م در شورایی، بزرگان و عالمان مسیحیت، چهار انجیل را قانونی و بقیه را غیرقانونی و غیرمعتبر اعلام کردند. ما مسلمانان ادعا و اصراری نسبت به صحت انجیل برنابا نداریم و برای اثبات حقانیت اسلام نیازی به آن نداریم؛ ضمن این‌که مطالب انحرافی و غلط نیز در این انجیل آمده است، مانند معجزه عیسی در تبدیل آب به شراب (فصل ۱۵).

مسلمانان و مسیحیان در این‌که حضرت عیسی علیه السلام دارای دوازده حواری بوده اتفاق نظر دارند. حواریون که از ماده «حَوْر» به معنای سفیدی خالص گرفته شده است معمولاً بر خواص اصحاب و یاران انبیا اطلاق می‌شود (فخرالدین، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۵۹۴).

مسیحیان معمولاً حواریون را «شاگردان» می‌نامند و به حواریون که شاگردان مسیح علیه السلام بوده‌اند و به همه مبلغین مسیحیت در قرن اول میلادی عنوان رسول می‌دهند و بالاترین رسول در نزد مسیحیان بنا بر آنچه از اناجیل نقل شده است «شمعون بن یونا است که حضرت مسیح علیه السلام به او لقب صخره یا پطرس داده است؛ آنجا که گفته است «من بر روی این صخره کلیسای خود را بنا می‌کنم» (متی، ۱۶: ۸ و یوحنا، ۱: ۴۲، ۲۱: ۱۵ و ۱۷).

در قرآن کریم مقام حواریون خیلی بالاتر از مبلغ، رسول و امثال این‌ها است. بر مبنای قرآنی غیر از آنان هیچ‌کس از امت حضرت مسیح علیه السلام نمی‌تواند این عنوان را داشته باشد، بلکه بالاتر از آن بنا بر آنچه در المیزان به ظاهر آیه شریفه که می‌فرماید: «و به یادآور زمانی را که به حواریون وحی کردیم که به من و به فرستاده‌ام ایمان آورند، گفتند ایمان آورده‌ایم و شاهد باش که ما تسلیمیم» (مائده: ۱۱) استناد شده، که حواریون حضرت عیسی علیه السلام هر کدام نبی بوده‌اند (طباطبایی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۰۴).

رودلف بولتمان (۱۸۸۴-۱۹۷۶م) بزرگ‌ترین متخصص عهد جدید در قرن بیستم می‌گوید بسیاری از سخنان مکتوب عیسی علیه السلام گفته‌های خود او نیست، بلکه محصول حیات جوامع مسیحی اولیه است.

پولس (شائول) که مخرب آیین مسیحی است، چندین انحراف اساسی را وارد این آیین کرد:

۱. انحراف از توحید به سوی تثلیث؛

۲. تحریف مفهوم نبوت در مورد مسیح علیه السلام و او را پسر خدا و خدای مجسم خواندن؛

۳. نسخ و الغای شریعت و ترویج اباحی‌گری؛

۴. ترویج اطاعت از حاکم اگرچه ظالم باشد.

فرقه‌های مسیحیت

مسیحیت دارای سه فرقه عمده است:

۱. کاتولیک (جامع) که بیش از ۵۰ درصد مسیحیان هستند. کاتولیک‌ها اسقف شهر رم

را پاپ می‌نامند و او را دارای امتیازاتی چون عصمت در صدور فتوا می‌دانند.

۲. ارتدوکس (درست‌عقیده و راست دین) که حدود ۱۵ درصد مسیحیان هستند و رهبری

واحد اسقف رم را نمی‌پذیرند.

۳. پروتستان (شکایت و اعتراض) که آغاز آن از آلمان و در قرن ۱۶م و توسط لوتر؛

تسوینگلی و کالون بوده است. حدود ۳۰ درصد از مسیحیان هستند و به رهبری متمرکز

معتقد نیستند و روحانیت مسیحی را چندان قبول ندارند.

این سه فرقه در مواردی چند، با هم اختلاف نظر و عمل دارند.

تحلیل انتقادی متون و آموزه‌های یهودیت و مسیحیت

ضمن پذیرش و اعتراف به این که برخی آموزه‌های صحیح و آسمانی در عهدین موجود است،

اما اشکالات فراوانی در عهدین وجود دارد که انتساب کتاب را به خداوند رد می‌کند، از

جمله:

الف) تناقضات درونی تورات و انجیل

تورات و انجیل موجود دارای تناقضاتی است که به ذکر برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود:

۱. هویت «ذبیح»: در تورات، ذبیح را یگانه فرزند ابراهیم می‌دانند و آن را اسحاق

معرفی می‌کند (سفر پیدایش، ۲۲: ۲)، اما در جایی دیگر می‌گوید حضرت ابراهیم ۸۶ ساله

بود که هاجر اسماعیل را به دنیا آورد (پیدایش، ۱۶: ۱۶) و نیز می‌گوید هنگام تولد اسحاق

حضرت ابراهیم صد ساله بوده است و تولد اسحاق را ۱۳ سال بعد از اسماعیل می‌دانند

(همان، ۱۷: ۱۵-۲۵)؛ پس اسماعیل تنها بوده، ولی اسحاق هیچ‌گاه یگانه فرزند نبوده است.

۲. تبارشناسی حضرت مسیح: عهد جدید حضرت عیسی (علیه السلام) را گاهی خدا، گاهی فرزند



خدا و گاهی هم انسان و بنده خدا معرفی می‌کند (انجیل یوحنا ۱: ۱-۴) و در جای دیگر او را پسر انسان می‌داند (متی ۱۸: ۱۱).

۳. پدر حضرت مسیح: عهد جدید برای عیسی علیه السلام چندین پدر ذکر می‌کند؛ گاهی می‌گوید یوسف نجار (متی، ۱: ۱۶)، گاهی می‌گوید از روح القدس (متی، ۱: ۱۸)، گاهی می‌گوید پسر داود است (لوقا ۱: ۳۲، متی، ۱۲: ۲۳ و ۱۵: ۲۲) و گاهی فرزند ناثان بن داود.

۴. معرفی حضرت یحیی علیه السلام: در انجیل متی، عیسی علیه السلام حضرت یحیی را الیاس معرفی می‌کند (متی، ۱۱: ۴) و در انجیل یوحنا رد می‌کند (یوحنا، ۱: ۲).

۵. مدت زمان دفن عیسی علیه السلام: در انجیل متی مدت مرگ و دفن عیسی را سه شبانه‌روز می‌داند (متی، ۱۲: ۴۰ و ۲۷: ۶۳) و در جای دیگر مدت دفن او را از غروب جمعه تا قبل از سپیده یکشنبه می‌داند (متی، ۲۷: ۵۷ به بعد و مرقس ۱۵: ۴۲ به بعد)؛ ضمناً روز و ماه و سال و محل تولد حضرت عیسی مسیح علیه السلام دقیقاً مشخص نیست.

ب) نقد آموزه‌های کلامی مسیحیت

برخی از آموزه‌های مسیحیت با عقل سازگار نبوده و پیامدهای نادرستی را به ارمغان می‌آورد.

۱. هویت مسیح: عیسی علیه السلام در عهد جدید چندگونه ترسیم شده است: مولود مقدس بانوی بزرگواری به نام مریم، بنده خدا، پسر انسان، مسیح یا منجی بنی اسرائیل، پیامبر خدا، جلوه بشری خدا، پسر خدا، کلمه خدا، خداوند و اله.

۲. آموزه تثلیث: آموزه تثلیث از جمله این نمونه‌ها است که با عقل و توحید ناسازگار است؛ زیرا خدای واحد با سه خدایی سازگار نیست. علاوه بر این که خداوند بی‌نیاز و بینهایت، امکان ندارد بیش از یکی باشد. علاوه بر اینکه وجود نامحدود در وجود محدود نمی‌تواند مجسم شود یا حلول کند.

بسیاری از دانشمندان مسیحی آموزه تثلیث و تجسد را غیرمعقول می‌دانند ولی درعین حال می‌گویند: ما ایمان می‌آوریم به آن تا بفهمیم. این ایمان‌گرایان در اصل پذیرش صفت ایمان را مقدم بر عقل قرار داده‌اند که این امری نادرست است.

۳. آموزه گناه ذاتی: آموزه «گناه ذاتی انسان» و مشارکت همه انسان‌ها از بدو تولد در گناه پدر و مادرشان، یعنی آدم و حوا، امری خلاف عقل است.

۴. آموزه «فداء» یعنی قربانی شدن و به صلیب کشیده شدن و رنج بردن عیسی به جای دیگران و افراد گنهکار نیز امری غیرمعقول است؛ چراکه هر کسی مسئول کارهای خودش است.

۵. معجزه سازی: حضرت عیسی علیه السلام صاحب معجزات متعددی بوده است، اما معجزه تبدیل آب به شراب غیرقابل پذیرش است (یوحنا ۱: ۲-۱۰).

۶. تشبیه خدا به انسان: از دیدگاه تورات، خدا مانند انسان است که از بسیاری امور آگاهی ندارد (سفر پیدایش، باب ۳)؛ بارها از کار خود پشیمان می شود (سفر پیدایش، ب ۶)؛ یعقوب کشتی می گیرد وی تواند بر او غالب شود (سفر پیدایش، ب ۳۲).

۷. نسبت های نادرست به پیامبران: در تورات نسبت زنای محصنه به حضرت داود علیه السلام می دهد (کتاب دوم سموئیل، ب ۱۱)؛ نسبت شرب خمر و زنای با محارم به حضرت لوط می دهد (سفر پیدایش، ب ۱۹)؛ جریان مرگ موسی علیه السلام را شرح می دهد؛ یعنی کتابی است درباره موسی نه کتاب آسمانی موسی علیه السلام (سفر تثنیه، ب ۳۴).

ج) تعارض عهدین با علم قطعی

دکتر موریس بوکای در کتاب عهدین، قرآن و علم ترجمه حسن حبیبی می نویسد: «مطالب ناظر به امور علمی در قرآن خیلی بیشتر از عهدین است. هیچ یک از موضوعات مورد اشاره قرآن از لحاظ علمی محل بحث و تردید قرار نمی گیرد» (بوکای، ۱۳۵۷، ص ۱۱).

«در پایان کار بر من مسلم شد که قرآن به ایجاب و اثبات هیچ مطلبی نمی پردازد که در دوره معاصر بتوان آن را از نظرگاه علمی محل انتقاد و تردید قرار داد. براساس همین روش عینی، عهد عتیق و انجیل را هم مطالعه کردم. در مورد عهد عتیق به هیچ وجه نیازی نبود که پا را از کتاب نخست آن یعنی سفر تکوین (پیدایش) فراتر گذارم، تا به تأکیداتی آشتی ناپذیر با معلومات متقن علمی این روزگار برخورد کنم. در همان صفحه اول انجیل نیز شجرةالنسب عیسی علیه السلام ما را دچار اشکال می کند؛ زیرا در این باب متن انجیل متی با انجیل لوقا آشکارا در تناقض است. راجع به تاریخ ظهور بشر بر روی زمین نیز مطالب انجیل لوقا با معارف امروزی کاملاً ناسازگارند» (بوکای، ۱۳۵۷، ص ۱۳).

در ادامه می‌نویسد: «عهد عتیق را اصولاً باید مجموعه‌ای از آثار ادبی دانست، مجموعه‌ای که تقریباً در حدود ۹ قرن به وجود آمده و اجزاء آن در کنار یکدیگر قرار گرفته... اناجیل نیز با روایت افعال و اقوال عیسی خواسته‌اند مردم را از تعلیمات عیسی در رسالت دین جهانی‌اش آگاه کنند. تأسف در این است که مؤلفان این کتب خود شاهد عینی وقایع منقول نیستند و بنابراین به بیان مسائلی می‌پردازند که سخن‌گویان جماعت‌های مختلف یهودی، مسیحی، از حیات عیسی علیه السلام در حفظ داشته‌اند... وحی قرآنی وصفی دیگر و تاریخی غیر از تاریخ دو متن عهد عتیق و عهد جدید دارد. قرآن در ظرف ۲۳ سال به پیامبر وحی شده و مؤمنان نیز آن را بلافاصله ضبط کرده‌اند و درعین حال متن آن نیز در زمان حیات شخص پیامبر به کتابت در آمده است... تاکنون این متن به دقت محفوظ مانده... نه تنها وحی قرآنی، حاوی تناقض‌هایی نیست که روایات انجیل، در نتیجه دخالت افراد انسانی با آن‌ها دست به گریبانند، بلکه اگر کسی با عینیت و در پرتو علم به مطالعه قرآن بپردازد، به خصوصیتی دیگر که ویژه این کتاب است برمی‌خورد؛ هماهنگی کامل قرآن با معلومات علمی جدید. علاوه بر این دیدیم که در قرآن نکات و مطالب علمی دیده می‌شود. نکات و مطالبی که نمی‌توان بیان‌کننده آن‌ها را آدمی زاده‌ای متعلق به عهد پیامبر اسلام دانست. در واقع معارف علمی جدیدند که به فهم برخی از آیات قرآنی - که تاکنون غیرقابل تفسیر مانده بودند - یاری می‌کنند» (بوکای، ۱۳۵۷، ص ۳۳۷-۳۴۰).

(د) اعتبار تاریخی کتاب مقدس

یکی از مسائلی که در قرن نوزدهم رواج یافت و مدافعان سنتی دین را با مشکلاتی روبه‌رو ساخت، بررسی انتقادی کتاب مقدس بود. نتایج این بررسی‌ها چندان برای مؤمنان یهودی خوشایند نبود: «در پرتو این پژوهش‌ها، پنج کتاب اول عهد عتیق - که سنتاً منسوب به خود موسی است - نشانه‌هایی از چند مؤلفی بودن به دست داد. بررسی دقیق داستان‌های مکرر و تفاوت سبک‌ها، واژگان و فکر، دلالت بر این داشت که این کتاب‌ها (اسفار خمسه) در هیئت کنونی‌شان، مجموعه‌ای از چندین روایت و متعلق به زمان‌های مختلف است. بعضی از بخش‌ها... در عصر تبعید یا اسارت بابلی (یعنی ۸۰۰ سال پس از موسی) به رشته تحریر درآمده است.



یکی دیگر از نویسندگان مسیحی در همین باره چنین می‌گوید:

«نقادان به‌طور کلی عقیده دارند که - برخلاف نظر سنتی - نویسنده پنج کتاب اول مقدس، موسی نبوده است، بلکه نویسندگان آن لاقلاً چهار شخص مختلف بوده‌اند. نقادان معتقد بودند که کتاب‌ها و قسمت‌هایی که در آن‌ها درباره وقایع آینده پیش‌گویی‌هایی وجود دارد، بعد از انجام شدن آن وقایع نوشته شده‌اند».

ه) بشارت به پیامبر اسلام (ص) در کتاب مقدس

درباره بشارت به اختصار بیان می‌شود که نام مبارک احمد و محمد ﷺ پانزده‌بار در انجیل برنابا آمده است.

در کتاب مقدس کتاب تثنیه، فصل ۳۳ آیه ۱ و ۲ چنین آمده: «و این است برکتی که موسی مرد خدا قبل از وفاتش به بنی‌اسرائیل برکت داده. گفت: «یَهُوَه از سینا آمد و از سعیر بر ایشان طلوع نمود و از جبل فاران درخشان گردید و با کروهای مقدسین آمد و از دست راست او برای ایشان شریعت آتشین پدید آمد».

معنای عبارت این است که خداوند یک‌بار از منطقه طور سینا ظهور کرد که اشاره به رسالت حضرت موسی ﷺ است، یک‌بار دیگر در منطقه سعیر ظاهر شد که منظور جایگاه عیسی ﷺ است و یک‌بار نیز در کنار کوه فاران جلوه کرد که منطقه مکه و بعثت پیامبر اسلام را معرفی می‌کند.

اما در کتاب مقدس در انجیل یوحنا باب ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ به‌عنوان تسلی‌بخش و تسلی‌دهنده (پاراقلیطوس) ذکر شده، که به غلط، عمداً یا سهواً، جایگزین (پریقلیطوس) = محمود و احمد) گردیده است.

«پارقلیط» کلمه سریانی است. این کلمه در زبان عربی «فارقلیط» تلفظ شده و در زبان یونانی «پریکلیتوس» ترجمه شده است (هاکس، ۱۳۸۳، ص ۲۵۲). بنابراین نقل انجیل یوحنا حضرت عیسی از فارقلیط یا پریکلیتوس که در انجیل به تسلی‌دهنده معنا شده، سخن گفته که بعد از او می‌آید و شرعش ابدی و حکومتش برای همیشه باقی خواهد بود. حضرت مسیح ﷺ فرموده است:

«اگر مرا دوست دارید احکام مرا نگاه دارید و من از پدر سؤال می‌کنم و

تسلّی‌دهنده‌ای دیگر به شما عطا خواهد کرد تا همیشه با شما بماند؛ یعنی روح راستی که جهان نمی‌تواند او را قبول کند، زیرا که او را نمی‌بیند و نمی‌شناسد، اما شما او را می‌شناسید؛ زیرا که با شما می‌ماند و در شما خواهد بود» (انجیل یوحنا، ۱۴: ۱۵-۱۶).

در همین انجیل مصداق و اوصاف آن این‌گونه بیان شده است:

«لیکن تسلّی‌دهنده یعنی روح‌القدس که پدر او را به اسم من می‌فرستد، او همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد و آنچه به شما گفتم به‌یاد شما خواهد آورد» (انجیل یوحنا، ۱۴: ۲۶)، «لیکن چون تسلّی‌دهنده که او را از جانب پدر نزد شما می‌فرستم آید؛ یعنی روح راستی که از پدر صادر می‌گردد، او بر من شهادت خواهد داد و شما نیز شهادت خواهید داد؛ زیرا که از ابتدا با من بوده‌اید» (انجیل یوحنا، ۱۵: ۲۶ و ۲۷)، «و من به شما راست می‌گویم که رفتن من برای شما مفید است؛ زیرا اگر نرم تسلّی‌دهنده نزد شما نخواهد آمد، اما اگر بروم او را نزد شما می‌فرستم و چون او آید جهان را بر گناه و عدالت و داوری ملزم خواهد نمود» (انجیل یوحنا، ۱۶: ۷-۸) و «او مرا جلال خواهد داد؛ زیرا که از آنچه آن من است خواهد گرفت و به شما خبر خواهد داد. هرچه از آن پدر است از آن من است. از این جهت گفتم که از آنچه آن من است می‌گیرد و به شما خبر خواهد داد. بعد از اندکی مرا نخواهید دید و بعد از اندکی باز مرا خواهید دید؛ زیرا که نزد پدر می‌روم» (یوحنا، ۱۴: ۱۵-۱۶).

«پاراکلت» اصطلاحی بوده که معمولاً توسط یهودیان یونانی‌دان قرن اول میلادی به‌معنای شفیع و مدافع به‌کار می‌رفته است و حضرت مسیح علیه‌السلام با این سخنان اعلام می‌کند که «روح» توسط «پدر» و «پسر» فرستاده خواهد شد و رسالت خاصش این خواهد بود که در انجام وظیفه الهی که «پسر» در مدت حیات فانی‌اش به‌سود شاگردان خود کوشا بوده، جانشین او شود. «روح» وساطت خواهد کرد و مانند جانشین مسیح به‌عنوان پاراکلت یا شفیع قادر مطلق عمل خواهد نمود. برخی «روح مقدس» [همان روح‌القدس] را رهبر واپسین انسان‌ها پس از فقدان عیسی معرفی می‌کنند. این‌که فارقلیط روح مقدس یا روح‌القدس باشد با مطالبی که در انجیل یوحنا در توصیف آن آمده است مطابقت نمی‌کند؛ به‌ویژه اگر این بند را که می‌گوید: «او از خود تکلم نمی‌کند، بلکه به آنچه شنیده است سخن خواهد گفت و از امور آینده به شما خبر خواهد داد» به روح مقدس نسبت داده

شود، مطلب درک‌نشده می‌گردد (بوکای، ۱۳۸۸، ص ۱۴۵). به گفته موریس بوکای اگر مراد از فارقلیط در این عبارات انجیل یوحنا، روح مقدس باشد، آن وقت متن عبارت آن چنان که در دست‌نویس‌های یونانی به ما رسیده، کاملاً غیرقابل درک می‌شود، اما اگر کلمات «روح مقدس» را از این عبارت حذف کنیم، تمام عبارات مربوط به فارقلیط معنای بسیار روشنی ارائه می‌کند. آنگاه که عیسی طبق انجیل یوحنا می‌گوید: «من از پدر استدعا خواهم کرد که او فارقلیط دیگری برای شما خواهد فرستاد»، به‌وضوح می‌خواهد بگوید که شفیع دیگری برای انسان‌ها فرستاده خواهد شد، همچنان که خود او در حین زندگی زمینی‌اش به نفع آنان نزد خداوند شفیع بوده است؛ در این صورت براساس منطق تام به این نتیجه می‌توانیم برسیم که «فارقلیط» یوحنا را، موجودی بشری مانند عیسی تلقی می‌کند که واجد شرایط شنوایی و گویایی است؛ بنابراین عیسی اعلام می‌دارد که خداوند بعدها موجودی بشری را روی این زمین خواهد فرستاد که در آنجا نقشی که یوحنا تعریف کرده، داشته باشد و این نقش در یک کلمه عبارت است از نقش پیامبری که صدای خدا را شنیده است و پیامش را برای انسان‌ها تکرار می‌کند (بوکای، همان، صص ۱۴۷-۱۴۸).

تمام اوصافی که در انجیل یوحنا برای فارقلیط گفته شده بر پیامبر آخرالزمان تطبیق می‌کند و از این رو طبق گفته «فخرالاسلام» مؤلف کتاب انیس‌الاعلام که خود یکی از کشیشان به‌نام مسیحی بوده، علمای نصارا قبل از ظهور پیامبر اسلام اختلافی نداشتند که «فارقلیطا» به معنی «احمد و محمد» است، اما بعد از ظهور محمد ﷺ برای بقای ریاست خود و استفاده مادی، آن را تأویل کردند و معنی دیگر برای آن اختراع کردند و آن معنی قطعاً منظور صاحب انجیل نبوده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، صص ۲۱۱-۲۱۴).

در پایان نوشتار اشاره به برخی آیات قرآن درباره بشارت پیامبر گرامی اسلام داریم که بیانگر این است که در نسخه‌های تورات و انجیل موجود در زمان پیامبر و ائمه علیهم‌السلام به روشنی اسم از پیامبر برده شده است؛ از این رو کسی از موافق و مخالف، منکر این امر نشدند و هیچ عالم یهودی و مسیحی را تاریخ آدرس نمی‌دهد که ذکر نام پیامبر را حاشا کند. قرآن می‌فرماید: «وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا

سِحْرٌ مُّبِينٌ؛ و (به‌یاد آورید) هنگامی را که عیسی بن‌مریم گفت: «ای بنی‌اسرائیل! من فرستاده خدا به‌سوی شما هستم، درحالی‌که تصدیق‌کننده کتابی که قبل از من فرستاده شده [تورات] می‌باشم، و بشارت‌دهنده به رسولی که بعد از من می‌آید و نام او احمد است!» هنگامی که او [احمد] با معجزات و دلایل روشن به‌سراغ آنان آمد، گفتند: «این سحری است آشکارا!» (صف: ۶).

در جای دیگر به‌آشنایی دقیق یهودیان و مسیحیان با ویژگی‌های ظاهری و جسمی پیامبر ﷺ اشاره می‌فرماید: «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ؛ «آنان که کتاب آسمانی به ایشان داده‌ایم، به‌خوبی او [پیامبر] را می‌شناسند، همان‌گونه که فرزندان خود را می‌شناسند؛ فقط کسانی که سرمایه وجود خود را از دست داده‌اند، ایمان نمی‌آورند» (بقره: ۱۴۶ و انعام: ۲۰).

در موردی دیگر نیز چنین می‌فرماید: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ «همان‌ها که از فرستاده (خدا)، پیامبر «امی» پیروی می‌کنند؛ پیامبری که صفاتش را در تورات و انجیلی که نزدشان است، می‌یابند؛ آن‌ها را به معروف دستور می‌دهد، و از منکر باز می‌دارد؛ اشیاء پاکیزه را برای آن‌ها حلال می‌شمرد و ناپاکی‌ها را تحریم می‌کند و بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر آن‌ها بود، (از دوش و گردنشان) برمی‌دارد؛ پس کسانی که به او ایمان آوردند، و حمایت و یاریش کردند، و از نوری که با او نازل شده پیروی نمودند، آنان رستگارانند» (اعراف: ۱۵۷).

نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که متون کنونی عهدین از حیث سندی و محتوایی با چالش‌های جدی مواجه هستند. برخی از چالش‌ها بدین‌قرار است.



۱. تناقض‌های متعدد در تورات و انجیل وجود دارد.
 ۲. آموزه‌های کلامی مانند تثلیث، گناه ذاتی و کفاره نه تنها با عقل سلیم ناسازگارند.
 ۳. بررسی‌های تاریخی انتقادی مؤید آن است که کتاب‌های مقدس کنونی یهودی مسیحی محصول گردآوری متون متأخر و دستکاری‌های بشری هستند.
 ۴. اشارات صریح در متون پیشین، حقانیت رسالت حضرت محمد ﷺ و ختم نبوت به دست ایشان را تأیید می‌نماید.
- از این رو اکنون من یهودی و مسیحی نیستم چون:
۱. تورات و انجیل تحریف شده و کتاب آسمانی از زمان نزول تاکنون کم و زیاد شده است؛
 ۲. برخی از آموزه‌های کتاب مقدس با علم قطعی و عقل مخالف است؛
 ۳. عهدین به پیامبر بعدی و نهایی بشارت داده است؛
 ۴. پیامبر اسلام ظهور کرد و حقانیت او با اعجاز قرآن ثابت شد و پایان اعتبار شرایع قبلی به فرمایش ایشان اعلام شده که در محل خود بحث شده است.
- این پژوهش لزوم بازخوانی انتقادی متون دینی پیشین و تبیین هرچه بیشتر ابعاد اعجاز قرآن را به‌عنوان یک ضرورت پژوهشی پیشنهاد می‌دهد.

فهرست منابع

قرآن کریم

کتاب مقدس

۱. آشتیانی، جلال‌الدین، تحقیقی در دین مسیح، تهران: نگارش، ۱۳۶۸.
۲. اف. ای، پیترز، یهودیت مسیحیت و اسلام، ترجمه حسین توفیقی، چ ۱، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۴.
۳. بایر ناس، جان، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی‌اصغر حکمت، چ ۷، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.
۴. بلاغی، محمدجواد بن حسن، الهدی إلى دین المصطفى ﷺ، بیروت: مؤسسة الاعلمی، ۱۴۰۵ ق.
۵. بوکای، موريس، عهدین، قرآن و علم، ترجمه حسن حبیبی، تهران: حسینیه ارشاد، ۱۳۵۷.
۶. بوکای، موريس، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمه ذبیح‌الله دبیر، چ ۱۳، تهران: دفتر نشر فرهنگ، ۱۳۸۸.
۷. توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، چ ۱، تهران: سمت، طه و مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۷۹.
۸. توفیقی، حسین، سیر تاریخی انجیل برنابا، قم: مؤسسه در راه حق، ۱۳۶۱.
۹. راسل، برتراند، چرا مسیحی نیستیم؟، ترجمه فرهنگ امیری، چ ۱، تهران: جامی، ۱۴۰۰.
۱۰. زیبایی‌نژاد، محمدرضا، درآمدی بر تاریخ و کلام مسیحیت، قم: معارف، ۱۳۷۵.
۱۱. زیبایی‌نژاد، محمدرضا، مسیحیت‌شناسی مقایسه‌ای، تهران: سروش، ۱۳۸۲.
۱۲. سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، پسر خدا در عهدین و قرآن، قم: مؤسسه امام خمینی رحمته، ۱۳۷۸.
۱۳. سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، درآمدی بر الهیات تطبیقی اسلام و مسیحیت، چ ۱، قم: طه، ۱۳۸۲.
۱۴. شعرانی، ابوالحسن، راه سعادت، تهران: اسلامیه، ۱۳۶۹.



۱۵. شلبي، احمد، مقارنة الاديان اليهودية، چ ۱۲، قاهره: مكتب النهضة المصرية، ۱۹۹۷ م.
۱۶. صادقي، محمد، بشارات عهدين، قم: شکرانه، ۱۳۹۲.
۱۷. صدوق، محمد بن علي، التوحيد، قم: نشر جامعه مدرسين، بی تا.
۱۸. طباطبائي، محمد حسين، الميزان في تفسير القرآن، چ ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامي جامعه مدرسين حوزه علميه، ۱۴۱۷ ق.
۱۹. طباطبائي، محمد حسين، ترجمه تفسير الميزان، ترجمه سيد محمد باقر موسوي همداني، قم: دفتر انتشارات اسلامي جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ۱۳۷۴.
۲۰. طريحي، فخرالدين، مجمع البحرين، چ ۲: دفتر نشر فرهنگي، ۱۳۶۷.
۲۱. فخرالاسلام، محمد صادق، انيس الأعلام في نصره الاسلام، تنظيم و پاورقي از سيد عبدالرحيم خلخالي، تهران: مرتضوي، ۱۳۵۰-۱۳۵۹.
۲۲. قزويني يزدي، جليل بن محمد، محضر الشهود في رد اليهود، تحقيق و تصحيح سيد محمد رضا حسن زاده طباطبائي، چ ۳، قم: مركز بين المللي ترجمه و نشر المصطفى، ۱۳۹۹.
۲۳. قزويني يزدي، حاج بابا، رساله‌اي در رد يهوديت، محضر الشهود في رد اليهود، تحقيق حامد حسن نواب، قم: مؤسسه فرهنگي انتشاراتي حضور، ۱۳۷۸.
۲۴. كتاب‌هايي از عهد عتيق كتاب‌هاي قانوني ثاني، براساس كتاب مقدس اورشليم، ترجمه پيروز سيّار، تهران: نشر ني، بی تا.
۲۵. كهن، ابراهام، خدا، جهان، انسان و ماشيح در آموزه‌هاي يهود، چ ۱، ترجمه اميرفريدون گرگاني، المعى، ۱۳۸۲.
۲۶. كهن، ابراهام، گنجينه‌اي از تلمود، ترجمه اميرفريدون گرگاني، تهران: اساطير، ۱۳۵۰.
۲۷. مكارم شيرازي، ناصر و همكاران، تفسير نمونه، چ ۱۰، دارالكتب الإسلامية، ۱۳۷۱.
۲۸. مك‌كراث، آليستر، درسنامه الهيات مسيحي، ترجمه بهروز حدادي، چ ۱، قم: انتشارات مركز مطالعات و تحقيقات اديان و مذاهب، ۱۳۸۴.
۲۹. ميشل، توماس، كلام مسيحي، چ ۴، ترجمه حسين توفيقى، قم: مركز مطالعات و

تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۹۶.

۳۰. نیوزنر، جیکوب، **یهودیت**، ترجمه مسعود ادیب، قم: نشر ادیان، ۱۳۸۹.

۳۱. هاکس، جیمز، **قاموس کتاب مقدس**، ترجمه جیمز هاکس، چ ۲، تهران: اساطیر، ۱۳۸۳.

۳۲. هندی، رحمة الله، **اظهارالحق**، بیروت، دارالجيل، بی تا.

۳۳. والورد، جان فلیپس، **خداوند ما عیسی مسیح**، ترجمه مهرداد فاتحی، تهران: آموزشگاه کتاب مقدس، بی تا.

